

۱۵۳۷۲۲۷
۹۶,۶,۲۹

تیمور لنگ

آخرین فاتح بزرگ جهان

تألیف:

هارولد لمب



انتشارات آتیس

سرشناسه	لـمب، هـرولـد، ۱۸۹۲ - ۱۹۶۲ م.
عنوان و نام پدیدآور	Lamb, Harold
مشخصات نشر	تیمور لنگ : آخرین فاتح بزرگ جهان/تالیف هارولد لمب ؛ ترجمه علی جواهرکلام، تهران: آتپسا، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۳۲۰ ص.
شابک	978-600-8399-92-6
وضعیت فهرست نویسی: فیپا	
یادداشت	عنوان اصلی: Tamerlane, the earth shaker, 1932.
یادداشت	کتاب حاضر در سال‌های مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.
یادداشت	کتابنامه.
موضوع	مور گورکانی، ۸۰۷-۷۳۶ ق.
موضوع	مغولان -- تاریخ
موضوع	Mongols -- History
موضوع	ایران -- تاریخ -- تیموریان، ۷۷۱ - ۹۱۱ ق.
موضوع	Iran -- History -- Timurids, 1351 - 1501
شناسه افزوده	جواهرکلام، علی، ۱۳۵۵ - ۱۳۵۵ م. مترجم
رده بندی کنگره	۹۱۳۹۶ / ج۸ / R۱۰۹
رده بندی دیویی	۹۵۵/۰۶۶۱
شماره کتابشناسی ملی	۴۸۸۹۴۳۸



دفتر انتشارات: خیابان توحید، خ فرصت شیرازی، بین خیابان دکتور قریب و خیابان ایزدی مقدم، پلاک ۷۷ تلفن: ۶۶۴۲۵۳۳۵

■ تیمور لنگ (آخرین فاتح بزرگ جهان)

- | | |
|--------------------------|-------------------------------------|
| ◆ مولف: هارولد لمب | ◆ ناشر: آتپسا |
| ◆ مترجم: علی جواهر کلام | ◆ تیراژ: ۵۰۰ نسخه |
| ◆ نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶ | ◆ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۹۹-۹۲-۶ |
| ◆ قیمت: ۲۸۰۰۰ تومان | ◆ چاپخانه: شریف |
| ◆ طراح جلد: تکتیم سلمانی | ◆ کلیه حقوق مادی و معنوی محفوظ است. |

فهرست مطالب

<u>عنوان</u>	<u>صفحه</u>
مقدمه مؤلف	۷
بخش یکم	۱۳
۱- ماوراءالنهر - از طرف رود جیحون	۱۳
۲- مردان با کلاه خود	۱۸
۳- شاه آفرین (تاج بخش / ساس / ساری	۲۴
۴- بانوی خداوندگار	۳۱
۵- تیمور دیپلمات	۳۸
۶- سرگردان	۴۶
۷- یک شتر و یک اسب	۵۴
۸- کنار پل سنگی	۶۰
۹- جنگ باران	۶۴
۱۰- دو امیر	۷۰
۱۱- روی پشت بام دنیا	۸۰
۱۲- زین الدین سخن می گوید	۸۷
۱۳- کار صوفیان	۹۶

بخش دوم ۱۰۳

۱۴- سمرقند ۱۰۳

۱۵- قزل اردو ۱۱۲

۱۶- در جاده‌های استپ ۱۲۱

۱۷- در سرزمین سایه‌ها ۱۳۱

۱۸- مسکو ۱۳۹

۱۹- باقان - هم پیاله‌ها ۱۴۹

۲۰- نمر و وسیع ۱۶۱

۲۱- بر پشت زن ۱۷۰

۲۲- سلطان احمد بنده‌دی ۱۷۹

بخش سوم ۱۸۶

۲۳- محروسه‌ی سمرقند ۱۸۶

۲۴- خانم بزرگ و خانم کوچک ۱۹۸

۲۵- مسجد جامع تیمور ۲۰۵

۲۶- جنگ سه ساله ۲۱۰

۲۷- یوحنا‌ی اسقف به اروپا می‌رود ۲۱۸

۲۸- آخرین جنگ صلیبی ۲۲۴

۲۹- تیمور و ایلدرم به هم می‌رسند ۲۳۲

۳۰- پشت دروازه‌های اروپا ۲۴۲

۳۱- دنیای سفید ۲۵۱

سرانجام ۲۵۶

بخش چهارم ۲۶۴

۱- خردمندان در میدان جنگ ۲۶۴

۲- کمان در مشرق و مغرب ۲۶۶

۳- آتش اندازان ۲۶۹

۴- آنقره ۲۷۱

۵- دوک و بتوند و تاتار ۲۷۶

۶- دو داوند جنگ ۲۷۹

۷- شاعران ۲۸۳

۸- مغول ۲۸۶

۹- تاتار ۲۸۸

۱۰- ترک ۲۹۱

۱۱- شیخ الجبل ۲۹۵

۱۲- شهر قشنگ و زیبای تبریز ۲۹۸

۱۳- کلاویجو در تبریز ۳۰۱

۱۴- سرپرده امیر ۳۰۴

۱۵- گنبد بزرگ ۳۰۶

۱۶- از کله آدم منار می ساختند ۳۰۸

۱۷- اخلاق و صفات تیمور ۳۱۰

۱۸- تیمور و مذهب ۳۱۲

منابع ۳۱۵

مقدمه مؤلف

سعی و کوشش

پانصد و پنجاه سال پیش مردی کشید که خود را فرمانروای جهان بسازد. هر اقدامی که کرد موفق شد، ما او را تیمور لنگ می خوانیم.

در آغاز وی چندان مهم نبود فقط بر قطعه‌ای از اراضی و عده‌ای گله‌دار آن سرزمین مرد پرور پهلوان خیز یعنی آسیای مرکزی فرمانروایی داشت. تیمور مثل اسکندر مقدونی پسر پادشاه نبود و مانند چنگیز ریاست قبیله را از پدر ارث نمی برد. اسکندر و چنگیز هر دو هنگامی که به جهانگردی برخاستند از خود همراهانی داشتند مردم مقدونیه با اسکندر و مغول‌ها با چنگیز همراه بودند ولی تیمور لنگ عده‌ای را دور خود جمع کرد.

تیمور سپاهیان نیمی از جهان آن روز را یکی پس از دیگری شکست داد. او شهرها را در هم کوبید و مطابق میل خود از سر نو آباد ساخت کاروان‌های بازرگانی دو قاره از وسط راه‌های او می گذشتند، تیمور ثروت چندین امپراتوری را گرد آورد و به میل خویش مصرف کرد. بر قله کوه‌های بلند در ظرف یک ماه کاخ‌ها و عشرتگاه‌ها بنا کرد. شاید بیش از هر بشر دیگر این مرد عجیب در مدت

حیات خویش کوشید تا مجموعه و طرح‌های غم‌انگیز را به چنگ خود درآورد و آن را به شکل نیکوتر و دل‌چسب‌تر از سر نو قالب بریزد.

او آن روز و امروز به نام تیمور لنگ مشهور بوده و هست. در تواریخ عمومی ما نام وی تیمور لنگ است. گرچه اروپایی‌های پانصد سال پیش او را تاتاری می‌خواندند. آن‌ها به طور مبهم تیمور را فرمانروا و جهانگیر بی‌رحمی می‌شناختند که تا پشت دروازه اروپا رسیده بود و با چادرهای زربفت حرکت می‌کرد. از کله کشته‌ها مثل می‌ساخت و شب‌ها در موقع حرکت روی تپه‌ها آتش افروزی می‌نمود تا راهنمای سپاهیان وی باشد.

اما آسیا این مرد را بهت می‌شناخت و خوشبختی‌ها و بدبختی‌های وی را یکایک می‌دانست. دشمنان آسیایی وی شهرت داده بودند که او یک گرگ خاکستری رنگ بزرگ زمین‌خواری می‌باشد. اما دوستان و پیروانش می‌گفتند تیمور شیر ژیان و جهانگشای عالی‌قدر است.

میلتون^۱ شاعر کور انگلیسی پس از شنیدن و مطالعه کردن افسانه‌های مربوط به تیمور ظاهراً رنگ‌های زننده درهم آمیخته‌ای به دست آورده که با آن رنگ‌ها شیطان بزرگ خویش را نقاشی و رنگین ساخته است.

تاریخ‌نویسان درباره وی سکوت کردند، اما شاعران از آن داستان‌ها ساختند. ولی در هر حال طبقه‌بندی شرح حال تیمور لنگ کار آسانی به نظر نمی‌رسد. تیمور عضو هیچ سلسله و خاندانی نبوده، اما خودش سلسله‌ای تأسیس کرده است. او مثل آتیلا که یکی از وحشیان بود شهر رم را به باغیان داد، ولی خودش در صحرای بی‌آب و علف شهر، رم تازه‌ای بنا نمود. گرچه برای خود تاج و تختی فراهم آورد اما قسمت عمده عمر را پشت زین اسب گذرانید. وقتی

۱. جان میلتون از شعرای انقلابی قرن هفدهم انگلستان مهمترین اثر او «جنات مفقوده» است. مترجم.

که او دست به کار ساختمان شد از نمونه معماری گذشتگان تقلید نکرد او طرح تازه‌ای مطابق نظر خویش ریخت یعنی از مشاهده صخره‌ها و قله‌کوه‌ها و گنبد‌های دمشق (پیش از آنکه آن شهر را آتش بزند) کلیاتی در نظر گرفته و از روی آن نمونه‌ها، بناهایی احداث کرد. همان طرح‌های عالی تیمور نقشه‌ای برای معماری روس‌ها و طرحی جهت ساختمان تاج محل گشت. اتفاقاً عمارت تاج محل هم به دست یکی از نوادگان وی برپا شد.

تاریخ اروپا در ایام تیمور به خوبی معین است. ما می‌دانیم که در آن ایام شهر ونیس^۱ توسط شورای ده نفری اداره می‌شده، ورینزی، موسولینی آن ایام گشت و آن جریان یک نعل پس از مرگ دانه واقع گشت. پتراک در آن اوقات به تحریر اشتغال داشت و فرسده چند‌های صد سال دوره خود را طی می‌کرد و در عین حال بورگوندی‌ها و اورانیست^۲ ما با جلادان پاریس زد و خورد داشتند و شارل ششم با حال نیمه دیوانه به طور بی‌طرفی این منظره‌ها را تماشا می‌کرد.

تاریخ آن روز اروپا چگونگی وقوع این حادثه را ذکر نموده است. اروپای آن روز جوان نو رسیده‌ای که آهسته آهسته از میان تاریکی‌های قرون وسطی در حال برخاستن بود. هنوز آتش رستاخیز (رنسانس) دانه حته و درخشنده نگشته بود. اروپا شیفته تجملات تمدن شرق بود و از آن نظر به شرقی می‌نگریست. کتان و ادویه و ابریشم و ظروف چینی و فولاد شرق را می‌خواست آن روزها نقره و طلا و جواهرات از مشرق به اروپا می‌آمد و به واسطه همین کالاها شهرهای ونیس و جنوا، ثروتمند و مهم گشته بودند. و قرطبه و اشبیلیه اسپانی به دست اعراب آباد گشته بود و کاخ‌های غرناطه را آن‌ها برپا کرده بودند، قسطنطنیه هم وضعی نیمه شرقی داشت. امروز در محلی که راه آهن ماوراء سبیریه اتصال می‌یابد تخته سنگی برپا داشته

۱. ونیس در قرن چهارده میلادی مهمترین جمهوری اروپا بوده و تا سال ۱۸۱۴ مستقل بود و آن موقع ضمیمه اتریش شد و اکنون جزء ایتالیا می‌باشد. مترجم.

اند که بر یک طرف آن کلمه آسیا و بر طرف دیگر آن اروپا دیده می‌شود. در زمان تیمور این علامت می‌بایستی پنجاه درجه به طول غربی دورتر از محل فعلی قرار گیرد، به عبارت دیگر بایستی در اطراف ونیس باشد. اروپای مرکزی (خاص) باید قسمتی از استان‌های آن به شمار بیاید. استان‌هایی که بارون‌ها و سرف‌ها (بندگان) در آن زیست می‌کردند و شهرها از کلبه‌ها و دهات کوچک تشکیل یافته بود و چنان که مورخ می‌نویسد زندگانی عبارت از آه و ناله و شکوه و زاری بود.

ما نمای گاه اجتماعی آن روز اروپا را به خوبی می‌دانیم اما مردی را که برای فرمانروایی بر جهان، در آن موقع قیام کرد، به خوبی نمی‌شناسیم. اروپاییان آن روز جلال و عظمت تیمور را ماوراء قوای زمینی و نیروی وی را شیطانی می‌دانستند. همین که تیمور به استان‌های مالک آنان رسید پادشاهان اروپا نامه‌ها و سفراء نزد وی فرستاده او را تیمور لانا بزرگ، خداوند تاتاری خواندند.

هنری چهارم انگلیس که در مرز خود با سرداران پروس می‌جنگید، فاتح ناشناس را برای فتوحاتش تبریک گفت. سارل ششم پادشاه فرانسه او را چنین مدح کرد:

«فاتح بزرگ و شاهزاده معظم تیمور» و مردم هر یار جنوبا پرچم وی را بیرون قسطنطنیه برافراشتند و مانوئل امپراطور یونان از وی درخواست کمک کرد. لرد دون هنری که با الطاف خداوند پادشاه قسطنطیه بود یکی از سرداران نامی خود «روی دو گرنالیز کلاویجو» را به نام سفیر خدمت تیمور روانه کرد. و کلاویجو تا سمرقند دنبال فاتح بزرگ رفته و پس از بازگشت راجع به شخصیت تیمور چنین گزارش داد:

«تیمور لنگ خداوندگار سمرقند پس از تسخیر تمام ممالک مغول و هند سرزمین آفتاب را نیز مسخر ساخت. سرزمین آفتاب ممالکت عظیم و مهمی

می‌باشد. تیمور سرزمین خوارزم را نیز مطیع و مسخر کرده است و ایران و مد را هم گشوده است؛ امپراتور تبریز و شهر سلطان را تصرف نموده است؛ اراضی ابریشم و زمین‌های دروازه را فتح کرده است؛ ارمنستان صغیر و ارزروم و کردستان را تحت تصرف درآورده است؛ فرمانروای هند را در جنگ مغلوب ساخته و قسمتی از ممالک وی را فتح کرده است شهر دمشق را ویران نموده و شهرهای حلب و بابل و بغداد را زیر پا گذاشته است و پس از گشودن ممالک بسیار و مغارب ساختن فرمانروایان بی‌شمار و احراز پیروزی‌های فراوان سروقت بایزید ترک رفته است (وی یکی از فرمانروایان نامی جهان می‌باشد) و او را در جنگ شکست داد به اسیری گرفته است.

کلاویجو که در زمان تیمور در هند بود، تیمور دیده، از شخصیت تیمور آن طور گزارش داده است. او نیز که عنوان «فارس فرنگیان» را داشته با گرمی و احترام پذیرفته شده زیرا به قول مشهور «کوچکترین پادشاهی هم در دریا محل و مقامی دارد».

تیمور در نمایشگاه سلاطین با عظمت اروپا مقامی نداشته فقط در صفحات تاریخ اروپا به طور اختصار آثاری از هول و هراس، اتمام سلطنت وی دیده می‌شود. اما برای مردم آسیا هنوز هم تیمور مرد بزرگی است.

اکنون پس از پنج قرن بر ما مسلم گشته که تیمور آخرین فاتح بزرگ جهان به شمار می‌آید. ناپلئون و بیسمارک نسبت به تیمور در گوشه‌ای از زوایای تاریخ خزیده‌اند.

چه که اولی با ناکامی درگذشت و دومی فقط در یک کشور به فتوحات سیاسی نایل آمد.

در صورتی که تیمور لنگ امپراتوری بزرگی ایجاد نموده و در هر لشکرکشی

موفق بود. او برای مغلوب ساختن آخرین فرمانروای مخالف خویش حرکت کرد و بین راه مرد. اگر نمی‌مرد به قدر کافی نیرو داشت که او را از پای درآورد. برای این که بدانیم آن مرد چه در سر داشت باید شرح زندگی او را بخوانیم. برای درک آن موضوع باید تواریخ اروپا را کنار بگذاریم و تمدن جدید را با اختلافات و نظریات ناشی از آن نادیده انگاریم و باید تیمورلنگ را از نظر اشخاصی مطالعه کنیم که دوش به دوش وی سوار و پیاده می‌شدند. ما نیز مانند کلاویجو باید پرده هول و هراس تیمور را بدریم و از میان ستون‌ها و منارهای جمجمه بگذریم و از قسطنطنیه و دریه عبور نماییم و به آسیا وارد شویم باید از شاهراه سرزمین آفتاب درخشه به جاده سمرقند روآوریم. در این موقع که ما عازم آن سفر شده‌ایم سال ۱۳۱۶ میلادی است.

محل ما رودخانه‌ای می‌باشد.